

تعامل خانوادگی و پدراساسی، چرا؟

غلام عباس رحمانی
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی



مقدمه:

رویکرد جامعه‌شناختی «تعامل‌گرایی»^۱ به بررسی تعامل میان افراد می‌پردازد. تعامل، طبعاً اجتماعی است، نه شخصی. این رویکرد که از جنگ جهانی دوم به این سو به طرزی روزافزون شهرت یافته است، بر مسائل روانی و اجتماعی تأکید می‌کند. در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، پژوهشگری که با رویکرد تعاملی به مطالعه می‌پردازد، احتمالاً کنش‌های متقابل میان گروه‌های همسالان، معلم - دانش‌آموز، معلم - مدیر، خانه - مدرسه، نگرش‌ها و پیشرفت‌های تحصیلی دانش‌آموزان، ارزش‌های معلمان و دانش‌آموزان، خودانگاری‌های دانش‌آموزان و تأثیر آن بر آرزوها و آرمان‌ها، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را مورد توجه قرار خواهد داد.

دو نظریه مهم تعامل‌گرا که در قلمرو جامعه‌شناسی آموزش و پرورش سودمندند، عبارت‌اند از: «نظریه برحسب

چکیده

براساس یافته‌های برخی محققان، بین ارزش‌های اجتماعی خانه و مدرسه تضاد بالایی مشاهده شده است و چنین برمی‌آید که تضاد ارزشی و عدم هم‌نوایی دانش‌آموز با خانه یا مدرسه به نفع دیگری تمام نمی‌شود، بلکه موجب روی‌گردانی دانش‌آموزان، هم از خانه و هم از مدرسه می‌گردد. از این رو تعامل خانه و مدرسه می‌تواند از دیدگاه جامعه‌شناختی، به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌های کاهش تضاد بین خانه و مدرسه، مورد توجه جدی و نگرش عمیق و کاربردی قرار گیرد. نتیجه این تعامل، تأثیرات مثبت و فواید تربیتی - آموزشی بسیاری است که در این مقاله به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

تأثیرات شگرف آن بر تعلیم و تربیت فرزندان پرداخته شده است.

اهمیت و ضرورت تعامل بین خانه و مدرسه:

۱- کاهش تعارض بین ارزش‌های خانواده و مدرسه

با تداوم زندگی گروهی و وسیع‌تر شدن شبکه روابط فرد در اجتماع، ارزش‌های فراگیر شده نیز افزایش می‌یابد. از طرفی دیگر برخی از محیط‌ها و گروه‌ها دارای ارزش‌های مربوط به خودند که هر چند الزاماً در جهت انحلال ارزش‌های دیگران عمل نمی‌کنند، اما به طور کلی نشانه‌هایی آشکار یا ناآشکار از تضاد و اختلاف ارزشی بین مجموعه ارزش‌های حاکم بر بسیاری از گروه‌ها دیده می‌شود؛ مثلاً ارزش‌های مربوط به خانواده و مدرسه در برخی زمینه‌ها می‌تواند باعث ناسازگاری یا ناهماهنگی رفتاری در شبکه روابط اجتماعی فرزندان شود. دکتر مجید کاشانی طی تحقیقی جامع با عنوان «بررسی تضاد بین ارزش‌های اجتماعی خانه و مدرسه» چنین نتیجه گرفت که در سال ۷۷-۷۶ (سال انجام تحقیق) بین ارزش‌های اجتماعی خانه و مدرسه در تهران تضاد بالایی وجود دارد. دانش‌آموزان بیش‌ترین گرایش را به ارزش‌های اجتماعی گروه همسالان و سپس خانواده

خود نشان داده‌اند و کم‌ترین میزان تضاد ارزشی را با دوستان صمیمی و سپس خانواده خود داشته‌اند. به علاوه یافته‌های این پژوهش نشان داده است که تضاد ارزشی خانه و مدرسه و نیز تضاد ارزشی دانش‌آموزان با خانه یا مدرسه، تأثیر چشمگیری بر میزان هم‌نوایی آنان، به خصوص با مدرسه دارد. متغیرهای دیگر نظیر سن، تحصیلات و شغل والدین بر میزان تضاد ارزشی خانه با مدرسه، تأثیر داشته است. در نهایت، چنین بر می‌آید که تضاد ارزشی و عدم هم‌نوایی دانش‌آموز با خانه یا مدرسه به نفع دیگری تمام نمی‌شود، بلکه موجب روی گردانی دانش‌آموزان، هم از خانه و هم از مدرسه می‌گردد. (کاشانی، ۱۳۷۹، صص ۱۲۶-۱۲۵)

هم‌چنین جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، از جمله عوامل مهم بروز مشکل در رفتار فرزندان را تعارض و ناهماهنگی رفتاری بین پدر و مادر یا والدین و مربیان می‌شناسند. آنان معتقدند چنان‌چه رفتارهای پدر و مادر با فرزند در محیط



زدن^۲ و نظریه «مبادله»^۳. نظریه اول معتقد است که اگر به کودکی به کرات گفته شود که کودن است و اصلاً پیشرفت نخواهد کرد؛ او ممکن است این برچسب را به عنوان وجهی از «خودانگاری خویش» بپذیرد و همان‌گونه که برچسب القا می‌کند، رفتار کند. شواهدی حاکی است که دانش‌آموزان بسته به انتظارات معلم، خوب یا بد رفتار می‌کنند... نظریه مبادله هم بر این فرض استوار است که کنش‌های متقابل ما متضمن هزینه‌ها و پاداش‌هایی است. کنش‌های متقابل، افراد و گروه‌ها را به الزامات و تعهداتی مقید می‌سازد. برای مثال دانش‌آموز یاد می‌گیرد و معلم پاداش دریافت می‌کند! و در این صورت این رفتار احتمالاً ادامه می‌یابد.

استفاده از این نوع نظریه‌های تعامل‌گرا فهم پویایی محیط آموزشی را تسهیل می‌کند. (علاقه‌بند، ۱۳۷۴، صص ۱۴۳-۱۴۱) در این مقاله باتوجه به رویکرد جامعه‌شناختی تعامل بین خانه و مدرسه، به آشکارسازی زوایای حساس و

مدرسه و نقش‌های تربیتی و آموزشی ایشان است. از طرف دیگر، اولیای مدرسه نیز باید نسبت به خصوصیات و نگرش‌های اولیا و فرزندان آن‌ها و نیز چگونگی تعلیم و تربیت فرزندان در خانواده آگاهی بیش‌تری کسب کنند.

پلادن^۴ بود که نقش مشارکت والدین در آموزش و پرورش را بر جسته ساخت. پلادن در گزارش کار خود به نکات زیر توجه کرد: تعامل بین خانه و مدرسه، رابطه بین تشویق والدین و عملکرد آموزشی دانش‌آموزان، صرف نظر از زمینه شغلی، و نیاز والدین به این که نه تنها در مورد پیشرفت کودکان خود اطلاعاتی داشته باشند، بلکه در مورد

خانواده یا رفتار والدین و مربیان در محیط‌های خانه و مدرسه در تعارض و تضاد باشند، این تعارض به اختلال رفتاری، که ناشی از بلا تکلیفی فرد در امر الگوپذیری است، منجر خواهد شد و عوارض سوء روانی و رفتاری را به دنبال دارد. بر عکس اگر هماهنگی رفتاری والدین با همدیگر در خانواده یا همسویی رفتاری والدین با مربیان به وجود آید، علاوه بر ایجاد سازگاری در فرزند، تقویت رفتارهای مطلوب را نیز موجب می‌گردد. (عصاره، ۱۳۷۵، ص ۳۲)

بنابراین، تضاد ارزشی بین رفتارهای دانش‌آموز در خانه و مدرسه، وجود دارد و یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای کاهش این گونه تضادهای فرهنگی (رفتاری، اخلاقی و اعتقادی)، تعامل بیش‌تر اولیای خانه با اولیای مدرسه است.

۲- هماهنگی تربیتی خانه و مدرسه

عوامل مدرسه‌ای همچون کارکنان آن که شامل معلم، مدیر، ناظم، مربی پرورشی، متصدی امور دفتری و حتی خدمتگزار و ... در مدرسه می‌شود، می‌توانند بر کودک و نوجوان تأثیراتی بر جای بگذارند. نحوه ارتباطات و اخلاق، رفتار و سایر شیوه‌های تربیتی کارکنان مدرسه، همه و همه در دانش‌آموزان مؤثر است. به همین علت یکی از وظایف خانواده‌ها، آشنایی با مدرسه فرزندان و رفتارهای کارکنان



تضاد ارزشی و
عدم هم‌نوایی دانش‌آموز
با خانه یا مدرسه
به نفع دیگری
تمام نمی‌شود،
بلکه موجب
روی‌گردانی دانش‌آموزان،
هم از خانه و
هم از مدرسه
می‌گردد.

صن ۲۷-۲۶)

تعامل بین خانه و مدرسه از راه‌های مختلف می‌تواند صورت پذیرد و این خود از مؤثرترین ابزارهای تقویت‌کننده تربیتی دانش‌آموزان است. حضور والدین در مدرسه باعث آشنایی بیش‌تر آن‌ها با مشکلات و علایق، دیدگاه‌ها، افکار و گرایش‌های رفتاری فرزندان می‌شود و بدین ترتیب با آگاهی بیش‌تری در حل مسائل مربوط به فرزندان شرکت می‌کنند و در نتیجه مدرسه و خانه به چهارچوبی نسبتاً منظم در خصوص ارتباط با فرزندان و تعلیم و تربیت ایشان دست می‌یابند.

۳- کاهش آسیب‌های گروهی ناشی از عضویت فرد در گروه‌های اجتماع

فرد با بیرون رفتن از حیطه کنترل خانوادگی وارد میدان بزرگی از امور اجتماعی و گروه‌های متعدد می‌شود که به طور کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته گروه‌های هماهنگ و متضاد تقسیم کرد. گروه‌های هماهنگ به گروه‌هایی گفته می‌شود که هنجارها و ارزش‌های آن‌ها با قواعد پذیرفته شده جامعه هماهنگ و همسوست. گروه‌های متضاد بر خلاف آن چه جامعه و عرف عمومی از فرد انتظار دارد، عمل می‌کنند و ممکن است آسیب‌های عمیقی از جهات روانی و عاطفی، اخلاقی و اجتماعی بر افراد عضو وارد آورند. ساده‌ترین نوع آسیب گروهی، ایجاد دوگانگی ارزشی برای فرد است که اگر این دوگانگی با عضویت در گروه‌های متضاد و متعارض

سیاست‌ها و فعالیت‌های عمومی مدرسه نیز مطلع باشند. این گزارش حاوی توصیه‌هایی بود که مدارس را تشویق می‌کرد تا برنامه‌ریزی‌های خوبی برای تماس با خانواده‌های دانش‌آموزان داشته باشند. در حدود ۱۰ سال بعد گزارش وارناک^۵ (۱۹۷۸) در مورد نیازهای آموزشی ویژه کودکان معلول، بخشی را به والدین به عنوان «همکاران» اختصاص داد.

گزارش التون^۶ نیز در مورد انضباط در مدارس، اهمیت خانواده را در تحقق و برآورده ساختن معیارهای رفتاری قابل قبول در مدرسه، روشن ساخت. (بیابان‌گرد، ۱۳۷۶، ص



یکی از مهم‌ترین
راه‌کارهای
کاهش تضاد ارزشی
بین رفتارهای دانش‌آموز
در خانه و مدرسه،
تعامل بیش‌تر اولیای خانه
با اولیای مدرسه
است.



سوی دیگر تمایلاتی متفاوت از آنچه والدین از آن‌ها می‌خواهند، نشان می‌دهند و به اصطلاح «شکاف بین نسلی» روی می‌دهد. نوجوانانی که حس می‌کنند انتظارات آن‌ها مورد درک و فهم والدین قرار نمی‌گیرد، در جاهایی خارج از محدوده خانواده به جست و جوی خواست‌ها و آرزوهای خود می‌پردازند و بدین ترتیب راه ورود آن‌ها به درون گروه‌های متنوع و فراوان افزایش می‌یابد.

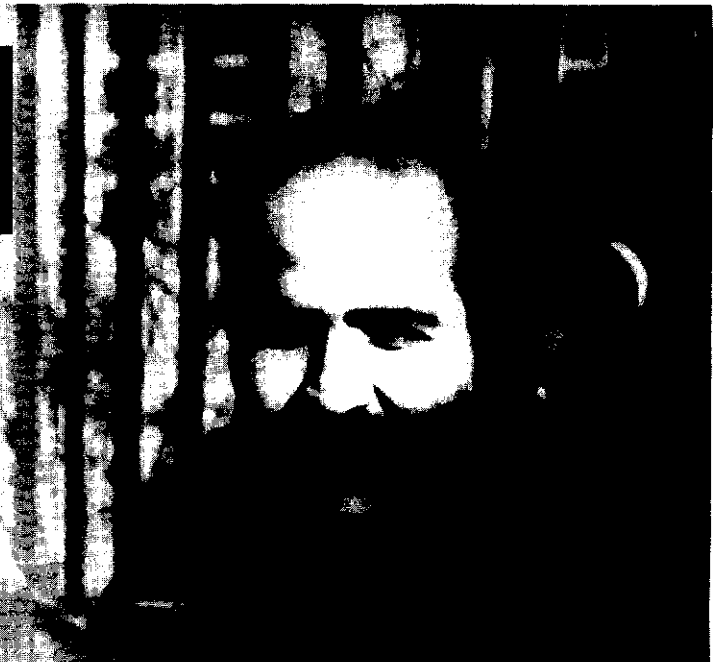
ارتباط متقابل خانه و مدرسه می‌تواند گام مؤثری در شناخت انتظارات و ارزش‌های حاکم بر فرزندان باشد و تلاش موفق‌تری در جهت پرکردن شکاف بین نسلی محسوب گردد. از طرف دیگر اولیای خانه از گرایش‌های گروهی فرزندان خود و نوع گروه‌های مرجع یا گروه‌هایی که ایشان به عضویت آن‌ها در آمده‌اند، شناخت کافی به دست می‌آورند و زمینه بروز آسیب‌های گروهی را به حداقل می‌رسانند. تغییر در مناسبات و دوستی‌های متعارف در بین نوجوانان و جوانان، به دلیل کاهش نقش‌های نظارتی خانواده در جامعه امروز، به یک معضل بزرگ تبدیل شده است. پدیده فرار فرزندان یکی از علائم بدخیم این تغییر و تفاوت در نگرش‌های والدین و فرزندان است. برای مثال فرار دختران از خانواده‌ها که یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌ها و شاید مادر آسیب‌ساز آن آسیب‌ها از جمله خودفروشی، فساد و فحشا، قتل، ضرب و جرح، عضویت در باند‌های فاسد و فاسق، قاچاق مواد مخدر و... باشد - نتیجه بی‌توجهی، عضویت‌های ناسالم در برخی گروه‌های به اصطلاح

**حضور والدین در مدرسه
باعث آشنایی بیشتر آن‌ها
با مشکلات و علایق،
دیدگاه‌ها، افکار و
گرایش‌های رفتاری
فرزندان می‌شود و
بدین ترتیب با آگاهی
بیش‌تری در حل مسائل
مربوط به فرزندان شرکت
می‌کنند**

با جامعه تداوم یابد به آسیب‌های دیگر و خطرناک‌تری منجر خواهد شد.

عدم درک متقابل والدین و فرزندان یکی از مهم‌ترین عواملی است که زمینه جذب فرزندان را به گروه‌های برون خانواده‌ای فراهم می‌آورد. امروزه به علت گسترش وسایل ارتباطات جمعی، تغییر مناسبات و روابط اجتماعی و صنعتی شدن، همه نوجوانان و جوانان به آسانی از والدین خود پیروی نمی‌کنند؛ زیرا برخی نیازهای خود را از طریق گروه‌های اجتماعی همسالان و دوستان برآورده می‌کنند و از

ارتباط متقابل خانه و
مدرسه می تواند گام
مؤثری در شناخت
انتظارات و ارزش های
حاکم بر فرزندان باشد و
تلاش موفق
در جهت پر کردن شکاف
بین نسلی
محسوب گردد.



[فرزندان] احساس کنند که از طرف والدین خود به «رسمیت» شناخته شده و آنان به تعلیم و تربیت و آینده تحصیلی و شغلی ایشان علاقه مندی نشان بدهند، عواطف و احساسات زیبای فرزندان شکوفا می شود. هر چه نیازهای روانی فرزندان بیش تر تأمین شود، جامعه پذیری و رشد اخلاقی، اجتماعی آن ها هم زودتر و مطلوب تر صورت می گیرد، ولی کمبودهای عاطفی، موجب شکست و شکنندگی هایی خواهد شد و فرزندانی که تمایلات مربوط به محبت آن ها ارضاء نمی شود، افرادی خواهند شد جنایتکار و لجوج، سخت دل و خشن که حتی ممکن است در مواردی شرف و حیثیت انسانی خود را نیز نادیده بگیرند.» (قائمی، ۱۳۶۹، ص ۶۱)

ب) ایجاد محیطی امن، صمیمی و دوستانه؛ با رعایت عوامل عاطفی حاکم بر خانواده، محیطی امن و دور از خشونت به وجود می آید که سهم زیادی در رشد شخصیتی افراد دارد. البته میزان توجه و اعمال نظر بر فرزندان نیز مهم است، زیرا افراط یا تفریط در توجه به برخی از آن عوامل، زمینه بروز برخی ناهنجاری ها و کجروی ها خواهد شد.

ج) آشنایی با خصوصیات مختلف دوره های رشد جسمی و ذهنی فرزندان برای پیشگیری از آسیب ها؛ بدون توجه به تغییرات خاص سنی و جنسی، نمی توان ویژگی های اجتماعی، اخلاقی، عاطفی و روانی افراد را مورد

دوستان! و نیز عدم تعامل متناسب والدین با فرزندان است. «عدم شناخت روحیات فرزندان توسط والدین، عدم نظارت کامل خانواده بر روابط اجتماعی دختران خود، عدم دقت و مراقبت در مورد دوستان و اطرافیان دختران و چگونگی ارتباط آن ها با دختران دیگر، مسائل اقتصادی خانواده ها و وجود فقر فرهنگی - که مانع شناخت رفتارهای فرزندان می شود - از بین رفتن حرمت و قبح بسیاری از مسائل در برخی از خانواده ها، ضعف فرهنگی و انحطاط بنیان های خانوادگی و اجتماعی از مهم ترین عوامل فرار دختران از خانواده ها ذکر گردیده است.» (ثابتی، ۱۳۷۶، ص ۵۹)

۴- آشنایی اولیای خانه و مدرسه با نقش ها و مسئولیت ها در این مورد عمده ترین وظایف خانواده را می توان به شرح زیر بر شمرد:

الف) توجه و احترام به شخصیت اعضای خانواده؛ از اولین و مهم ترین وظایف خانواده ها ایجاد احساس تعلق، دوست داشتن و امنیت خاطر برای فرزندان است. «اگر آن ها

بررسی قرار داد و نتیجه این که استعدادهای بالقوه و بی‌منتهای فرزندان هم به راحتی و به زودی شکوفا نخواهند شد.

(۴۵)

ه) **تأمین خواست‌ها و نیازمندی‌های منطقی فرزندان:** به طور کلی نیازها را به دو دسته مادی و غیرمادی تقسیم می‌کنند. بر طرف کردن هر دو دسته از نیازها آرامش، آسودگی، موفقیت، سلامت و شکوفایی را برای آحاد انسانی به همراه دارد. پوشاک و خوراک و مسکن مهم‌ترین نیازهای مادی بشرتلقی شده است و بدون شک بر خورداری از پوشاک، خوراک و مسکن (محل استراحت و آسایش) بر روند زندگی اجتماعی‌اش تأثیرات مطلوب خواهد داشت. اگرچه تأمین این نیازها بنا به طبقه شغلی و زمینه اقتصادی

د) **نظارت بر رفتار فرزندان در خارج از خانواده:** یکی دیگر از وظایف خانواده‌ها نظارت بر رفتار و اعمال فرزندان، به خصوص نوجوانان است که وارد مرحله حساس و کاملاً جدیدی شده‌اند. اگر خانواده‌ها بتوانند ارتباطات درست و تعاملات مناسبی با فرزندان خود برقرار کنند، به طوری که در کنار نقش پدری یا مادری به عنوان یک «دوست» و مشاور آن‌ها به نظارت و راهنمایی بپردازند، تفاهمات لازم بین

مدرسه هم در جریان تعامل و

ارتباطات مستمر والدین دانش‌آموزان،

به وظایف و مسئولیت‌های خود توجه بیش‌تری نشان داده،

در کنار آشنایی با خصوصیات و استعدادهای فرزندان،

بہتر می‌تواند نقش‌های

آموزشی و تربیتی خود را ایفا کند.

خانواده‌ها متفاوت است، ولی همه والدین باید تا حد امکان به انجام امور مادی خانواده خود اهتمام ورزند. والدین ضمن خرید لوازم و امکانات مادی، می‌بایست ارزش‌های مربوط به چگونگی پوشش و آرایش ظاهر را به فرزندان خود آموزش دهند. خرید لباس یک فعالیت اقتصادی و آموزش چگونه پوشیدن و آرایش، یک کار تربیتی و ارزشی است. هم چنین فراهم کردن امکانات تحصیلی همچون لوازم تحریر، کتاب‌های درسی و کمک درسی، دستگاه‌های صوتی و تصویری نظیر ویدئو، سی‌دی یا استفاده از کلاس‌های تقویتی، آموزشی، علمی، هنری و... از اموری است که هر کدام به نوبه خود به رشد و موفقیت فرزندان کمک می‌کند.

غنی کردن اوقات فراغت یکی دیگر از وظایف خانواده در این زمینه است. «اوقاتی که فرد در خارج از اشتغال [یا تحصیل] و خارج از برنامه سپری می‌کند، اوقات فراغت

ایشان به وجود می‌آید و اصول تربیتی و اخلاقی مورد نظر والدین، توسط فرزندان رعایت می‌گردد. نظارت والدین بر دوستان و همه کسانی که نوجوان یا کودک در تماس بیش‌تری با آن‌ها در خارج از خانه است، کاملاً مهم و لازمه تربیت اجتماعی آن‌هاست. «دوستی‌ها در دوره نوجوانی بر اساس یک نیاز اجتماعی و برای ایجاد روابط سالم و ارزنده است. شخصیت اجتماعی نوجوان در حال شکل گرفتن است و بر این اساس رفاقت‌ها نقش عمده‌ای در اجتماعی شدن آنان ایفا می‌کند. وقتی نوجوان، دوستانی پیدا کرد نسبت به آنان اعتماد می‌کند و مایل است دوستی خود را محکم سازد، لذا در صورت دخالت والدین ترجیح می‌دهد که به جانب دوستان برود و از آنان حمایت کند. والدین در صورتی موفق خواهند بود و تصادم و برخوردی با نوجوان پیدا نمی‌کنند که در کنار او حرکت کنند و ضمن مراقبت از وی آزادی عمل وی را سلب نکنند.» (احمدی، ۱۳۶۹، ص



است بسیاری از والدین به دلایل رفتاری، کوتاهی، ناتوانی یا هر دلیل دیگر نخواهند یا نتوانند در تعامل با مدرسه عمل کنند. پس یکی از وظایف اولیای مدرسه هم این است که با مشاهده تعارضات رفتاری و گونه‌گونی‌های عملکردی و شخصیتی، در کسب اطلاع از خانواده فرزندان بر آیند تا بهتر از قبل به بررسی و تدارک راه‌های مقابله با مشکلات دانش‌آموزان بپردازند.

۵- رشد و تقویت جامعه‌پذیری

انسان به زندگی اجتماعی میلی فطری دارد و بنا به یک سلسله نیازهای اجتماعی، به خصوص نیاز به رشد اجتماعی و زیستی مجبور است که در جامعه به ارتباطات و تعاملات با دیگران که زمانی پدر و مادر و اعضای خانواده، زمانی همسالان و دوستان و هم مدرسه‌ای‌ها و زمانی سایر افراد جامعه‌اند، روی آورد. آموختن زبان که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین وسیله ارتباط و رشد اجتماعی است، خود، نیاز به آموزش و زیستن در میان دیگران دارد. برای سخن گفتن و هر رفتاری در جامعه، یک سلسله هنجارها، ارزش‌ها و شیوه‌هایی وجود دارد که باید آن‌ها را آموخت و رعایت کرد و این که انسان‌ها از چه شیوه‌هایی و در کدام موقعیت‌ها استفاده می‌کنند، بستگی به میزان رشد اجتماعی و به عبارتی درجه جامعه‌پذیری آن‌ها دارد. فرایند رشد اجتماعی به سه رکن اساسی وابسته است: رکن شناخت، رکن گرایش و رکن مهارت و عمل. فقدان هر یک از این‌ها موجب اختلال

نامیده می‌شود... به طور معمول، ضرورت‌های اوقات فراغت را در تجدید قوا، تدارک زمینه لازم برای تأمین بخشی از بهداشت روانی و تدارک زمینه برای شکوفایی خلاقیت و تفکر واگرا بیان کرده‌اند.» (احمدی، علی اصغر، ۱۳۷۹، ص ۳۹).

و اما خانواده‌ها با تدارک زمینه‌های لازم و محتوای مطلوب برای اوقات فراغت فرزندان، باید به اصل نظارت خود در چگونگی استفاده از این اوقات هم توجه داشته باشند. نظارت در طول اوقات فراغت به این معنی است که ضمن کسب اطلاعات مستمر در مورد فرزندان، با توجه به شرایط موجود، به آنان آموزش داد تا از خود نیز مراقبت کنند. مدرسه هم در جریان تعامل و ارتباطات مستمر والدین دانش‌آموزان، به وظایف و مسئولیت‌های خود توجه بیشتری نشان داده، در کنار آشنایی با خصوصیات و استعداد‌های فرزندان، بهتر می‌تواند نقش‌های آموزشی و تربیتی خود را ایفا کند. برای مثال بررسی مشکلات خانوادگی و شخصی دانش‌آموزان از وظایف مربیان پرورشی آموزشگاه‌هاست. گاهی اوقات، اتخاذ یک تصمیم بدون اطلاع از وضعیت‌های رفتاری دانش‌آموز در خارج از مدرسه (خانواده و محیط اجتماع) نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه ممکن است دانش‌آموز را از ادامه تحصیل نیز باز دارد. اگرچه یکی دیگر از اهداف برقراری ارتباط میان خانواده و مدرسه این است که والدین موارد رفتاری، اخلاقی و انگیزشی فرزندان را به اطلاع آموزشگاه برسانند، اما ممکن

**والدین باید توجه داشته
باشند که درصد بالایی
از موانع پیشرفت تحصیلی
فرزندان را با تعامل گرم
و روابط مستمر با مدرسه
می توان بر طرف کرد**



پیشرفت تحصیلی فرزندان را با تعامل گرم و روابط مستمر با مدرسه می توان بر طرف کرد و از این رو تعامل خانه و مدرسه همیشه باعث تقویت، رشد و پرورش بیش تر استعداد های فرزندان می شود.

در رشد فرد می شود. به عبارت دیگر می توان فرایند رشد اجتماعی را به مثلی تشبیه کرد که هر یک از ارکان سه گانه یکی از رئوس مثلث را تشکیل می دهند. ممکن است کودک یا نوجوانی علاقه مند به بازی های گروهی باشد، ولی جرئت پیدا نکند وارد بازی شود یا وارد بازی شود ولی نتواند ایجاد ارتباط کند. بنابراین شرط اصلی رشد اجتماعی و کسب صلاحیت برای زندگی اجتماعی با دیگران وجود یک محیط تربیتی است که بتواند بین این سه رکن رشد اجتماعی تعامل ایجاد کند و فرد را برای ارتباط با دیگران، سازگار کند. (ملکی، ۱۳۷۲، ص ۲۰)

- بی نوشت ها:
- 1 - INTERACTIONISM
 - 2 - LABELING THEORY
 - 3 - EXCHANGE THEORY
 - 4 - PLOWDEN
 - 5 - WARNOCK
 - 6 - ELTON

منابع:

- احمدی، سید احمد: روان شناسی نوجوانان و جوانان، انتشارات رودکی، تهران ۱۳۶۹.
- احمدی، علی اصغر: نقش خانواده ها در گذراندن اوقات فراغت، مجله پیوند، شماره های ۲۴۹ تا ۲۵۱، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران ۱۳۷۹.
- بیابانگرد، اسماعیل: انجمن اولیا و مربیان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران ۱۳۷۶.
- ثابتی، حسن: چگونه کلاس های آموزش خانواده را جذاب تر کنیم، مجله پیوند، شماره ۲۲۰، تهران ۱۳۷۶.
- عصاره، علیرضا: جایگاه نهاد اولیا و مربیان، مجله پیوند، شماره ۲۰۶، ۱۳۷۵.
- علاقه بند، علی: جامعه شناسی آموزش و پرورش، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۷۰.
- قائمی، علی: تربیت و ارزش، مجله پیوند، شماره ۲۱۷، تهران ۱۳۶۹.
- کاشانی، مجید: بررسی تضاد ارزش های اجتماعی خانه و مدرسه، فصل نامه تعلیم و تربیت، شماره ۳، انتشارات آموزش و پرورش، تهران ۱۳۷۹.
- ملکی، حسن: ارتباط خانه و مدرسه (از کتاب سوم آموزش خانواده)، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران ۱۳۷۲.
- نجاریان و همکاران: بررسی علل افت تحصیلی، مجله پیوند، شماره ۱۸۱، تهران ۱۳۷۳.

۶- جلوگیری از افت تحصیلی

«افت تحصیلی، کاهش عملکرد تحصیلی دانش آموز از سطحی رضایت بخش به سطحی نامطلوب است.» (نجاریان، لیامی و مکتوندی، ۱۳۷۲) افت تحصیلی یکی از بارزترین زیان ها و نارسایی های مراکز آموزشی و تربیتی است. به طور تقریبی همه علمای تربیت معتقدند که از کارآمدترین مکانیزم های مقابله با این معضل بزرگ، وجود رابطه نزدیک میان اولیای مدرسه و خانواده دانش آموزان است. تبادل اطلاعات اولیای خانه و مدرسه می تواند موجب شناخت و آگاهی آن ها نسبت به مشکلات موجود در راه تحصیل متربیان و موانعی باشد که افت تحصیلی را فراهم می کنند. والدین باید توجه داشته باشند که درصد بالایی از موانع